



بررسی مناظره‌ی خسرو و فرهاد در منظومه خسرو و شیرین نظامی

دکتر عبدالقیوم طیب

دپارتمان پارسی دری، پوهنچى ادبیات و علوم بشری پوهنتون بدخشان

abdulqayumtayeb690@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-8427-4208>

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

مناظره با بن‌مایه‌ی عاطفی، لحن حماسی و بیان در زمان حال یکی از گونه‌های شناخته شده‌ی ادبیات پارسی دری است. این شگرد ادبی در منظومه‌ی خسرو و شیرین نظامی به صورت معمول در سه شکل و ساختار بازنمایی شده است، مانند: چندگویه، واگویه و نامه‌ی مناظره. داستان خسرو و فرهاد در این منظومه‌ی داستانی در ساختار چند گویه سروده شده است. هدف اصلی این پژوهش فهم صورت و ماهیت داستان مذکور و تبیین دلیل‌های سرایش آن می‌باشد. یافته‌های مقاله‌ی حاضر نشان می‌دهد که ژرف‌ساخت مناظره‌ی خسرو و فرهاد، مانند بسا از مناظره‌های دیگر صرف جنبه‌ی اخلاقی و آموزشی ندارد، بلکه اعتراضی است در مقابل نا برابری‌های اجتماعی-سیاسی یک جامعه. این پژوهش که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته، مشخص می‌کند که نظامی گنجوی با ایجاد شخصیت‌های داستانی، چون خسرو و فرهاد در واقع دو قطبی بودن جامعه‌ی زمان خود را بازتاب بخشیده است. نتیجه‌ی بدست آمده از داستان بیان می‌نماید که در این مناظره خسرو نماد از یک شخصیت سیاسی، فرهاد نماد از یک شخصیت نیک‌منش اجتماعی-فرهنگی و شیرین نماد از زنده‌گی است.

-خسرو و شیرین، فرهاد، مناظره و نظامی.

Khosraw and Farhad Debate Discussing in the Khusraw and Shirin Poem

Author
E-Mail
Orcid

Abdul Qayum Tayeb

Department of Farsi-Dari Litature, Faculty of

abdulqayumtayeb690@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-8427-4208>

Abstract

Debate with emotional thematic, epic tone and present explanation is one of known species of Parsi- Dari literature. This kind of literature is usually represented in three forms and structures in the poetry of Khosraw and Shirin Nizami, such as: dialogue, monologue and debate letter. The story of Khosraw and Farhad is written in the structure of dialogue subjects in this narrative system. The main purpose of this research is to understand the form and nature of the mentioned story and to explain the reasons for its creation. The findings of this article show that the deep structure of Khosraw and Farhad's debate, as other debates, is not limited to the moral and educational aspects, but is a protest against socio-political inequalities. A society. This research, written based on the descriptive-analytical method, indicates that Nizami Ganjawi has reflected the bipolarity of the society of his time by creating fictional characters such as: Khosraw and Farhad. The achievement conclusion from the story states that in this debate, Khosraw is a symbol of a political character, Farhad is a symbol of a good social-cultural character and a Shirin is a symbol of life.

Keywords: Khosraw, Farhad, Shirin, Debate and Nizami.

مقدمه

مناظره یکی از ژانرهای دلچسب ادبیات پارسی دری است که به صورت گسترده در چارچوب گفت‌گوها بازنمایی می‌شود. مناظره که از آن به چیره‌گی در سخن تعبیر شده؛ شگردی است که دو یا چند فرد، شی و یا حیوان به مصاف هم رفته هر یک تلاش می‌نمایند که با برشمردن ویژه‌گی‌ها و ارزش‌های ذاتی، فرهنگی، هویتی و اجتماعی، خود را بر دیگری برتر و ارزشمند نشان بدهد. در باره‌ی نوعیت مناظره میان پژوهش‌گران ادبیات سخن یک‌دست وجود ندارد. برخی‌ها این ژانر را یکی از زیر گروه‌های ادب حماسی و دست‌ی‌دیگر آن را به ادب غنایی مربوط می‌دانند. اما، بررسی دقیق، نشان می‌دهد که مناظره ماهیت غنایی و لحن حماسی دارد. چون، در مناظره، شخصیت‌های داستان از خود و از احساس‌های خویش سخن می‌گویند. در این گونه‌ی ادبی، از کس دیگری روایت نمی‌شود و در محور شخص نخست (من) می‌چرخد. ولی، زبان و سبک بیان آن حماسی است. بدین معنا که با زبان فاخر و پر از آرایه‌های ادبی گفت‌وگو صورت می‌گیرد. مناظره‌ها در شعر پارسی دری به صورت اغلب به شیوه گفت‌وگوها سروده شده است. با این وجود، مناظره‌هایی در این ادبیات وجود دارد که به شکل واگویه (تک‌گویه‌ها) شکل گرفته است (طوری که، در منظومه‌های لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و مخزن الاسرار نظامی آمده است). اما، مناظره‌های نظامی در مثنوی خسرو و شیرین به گونه‌ی کلی در سه قالب (چندگویه، واگویه و نامه‌مناظره (مناظره‌های خاموش) سروده شده است. در این پژوهش، از میان گونه‌های مختلف که در بالا تذکر داده شد، تنها یکی از مثنوی‌های نظامی را که گفت‌وگوی خسرو و فرهاد راجع به عشق شیرین است، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

تبیین مسأله

درک و شناخت قالب، محتوا و ساختار داستان خسرو و فرهاد راجع به عشق شیرین در منظومه‌ی غنایی «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر است. افزون بر این، فهم اینک نظامی چرا این داستان را که مربوط به پیش از اسلام بود، در زمان خود بازتاب بخشید و با استفاد از این مناظره چه مسأله را پاسخ گفته است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل ساختار و محتوای مناظره‌ی خسرو و فرهاد راجع به عشق شیرین در منظومه‌ی «خسرو و شیرین نظامی گنجوی» است. هدف‌های جزئی آن، توضیح و تبیین دلیل‌هایی سرایش مناظره‌ی مذکور و نیز توصیف و شناخت جامعه‌ی زمان نظامی گنجوی می‌باشد.

پرسش‌های تحقیق

- مناظره‌ی خسرو و فرهاد در منظومه‌ی خسرو و شیرین نظامی از چه ساختار و محتوا برخوردار است؟
- مناظره خسرو و فرهاد در چه شکلی بازنمایی شده است؟
- چرا نظامی پس از سال‌ها، اقدام به تصویر این داستان نموده است؟

پیشینه‌ی تحقیق

مناظره‌گویی با آن که، یکی از گونه‌های پرترف‌دار ادبیات پارسی دری بوده و متن‌های فراوانی هم در قالب نظم و هم در نثر با این مضمون و محتوا تولید یافته است؛ اما بررسی، توصیف و تحلیل این ژانر نشان می‌دهد که مناظره در زبان پارسی دری، طوری که انتظار می‌رفت، مورد توجه پژوهنده‌گان قرار نگرفته است. فلاح (۱۳۸۷) مقاله‌ی «جایگاه فن مناظره در شاهنامه‌ی فردوسی» را نگاشته است. وی در این مقاله دو مناظره (مانی و مزدک و مزدک و موبد) را در شاهنامه توصیف و تحلیل کرده است. فلاح نتیجه‌گیری نموده که مناظره‌ها در شاهنامه در واقع همان گفت‌وگوهای بسته و معدودی است که به گونه‌ی معمول میان اهل خرد و فضل در باره‌ی مسأله‌های اعتقادی و غیر اعتقادی، جهت اثبات خود و دیگری اتفاق می‌افتاد (فلاح، ۱۳۸۷: ۱۵۵). «نجمه نظری» (۱۳۹۶) مقاله‌ی «هنر مناظره در غزل سعدی» را نگاشته است. وی، در این پژوهش (۱۴۵) مورد از گفت‌وگوهای مناظره‌گونه‌ی سعدی را که فقط به بخش غزل‌های وی مربوط می‌شود، بررسی نموده است. یافته‌های مقاله‌ی مذکور نشان می‌دهد که اغلب از مناظره‌های سعدی (چه به گونه‌ی واگویی و چه به شکل گفت‌وگو) جدالی است میان وی و ناصح ملامت‌کننده و عیب‌جو (نظری، ۱۳۹۶: ۲۸۲). به همین سان، «ستوده نیا کرانی و همکاران» (۱۴۰۱) پژوهشی را تحت عنوان «بررسی مناظره در آثار منشور خواجه‌ی کرمانی» انجام داده است. یافته‌های این اثر بیان می‌دارد که شخصیت‌های مطرح در اثرهای منشور خواجه‌ی کرمانی برنده یا غالب ندارد. یعنی، با توجه به چارچوب اخلاقی که وی در اثرهای خود برگزیده، او نتوانسته شخصیتی را بر دیگری ترجیح دهد. افزون بر این، محتوای مناظره‌های خواجه‌ی را

مسأله‌های سیاسی و اخلاقی «دربار» تشکیل می‌دهد. بنابراین، خواجو نتوانسته موضع صریح و روشن برای شخصیت‌های مناظره‌ی خویش ترسیم نماید. این مناظره در واقع جنبه‌ی فنی و خوشایندی دارد. به همین - سان، چند پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی تحت عنوان‌های: «مناظره در شعر فارسی» (۱۳۶۲) از نجیب‌الله مایل‌هروی، مناظره و سیر آن در ادب فارسی» (۱۳۷۵) از محمود باقری و «تأملی در فن مناظره و سیر آن در گسترده‌ی ادبیات فارسی» (۱۳۸۱) از علی سروری در باره‌ی مناظره، تاریخ و چگونگی آن نگاشته‌اند. اما، راجع به مناظره گویی و جایگاه آن در منظومه‌ی خسرو و شیرین نظامی گنجوی به خصوص در باره‌ی مناظره‌ی «خسرو و فرهاد» راجع به عشق شیرین تا آن‌جا که پژوهنده‌ی این اثر بررسی و کاوش نموده، چیزی در حوزه‌ی زبان پارسی دری به ویژه افغانستان نگارش نیافته یا دست‌کم نشر نشده است. بنابراین، در عین حال که این اثر از سایر پژوهش‌های صورت گرفته متفاوت است، از لحاظ موضوع و محتوا یک پژوهش تازه و نیز کاربردی برای دانشجویان و اهالی زبان و ادبیات پارسی دری می‌باشد.

روش تحقیق

این اثر از نوع پژوهش‌های کیفی بوده که داده‌های استفاده شده در آن مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. برای پاسخ گفتن به پرسش‌های بالا، ما نخست منبع‌های مورد نظر را از کتابخانه‌ها و ژورنال‌های مهم اینترنتی گردآوری کردیم. سپس، مواد و منبع‌های بدست آمده را به صورت ژرف مطالعه و بررسی کرده؛ داده‌های مورد نیاز را از مهم‌ترین آن‌ها اقتباس و بعد به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته‌ایم.

نتایج و یافته‌ها

چیستی مناظره و بازنمایی آن در ادب پارسی دری

مناظره واژه‌ی است تازی که معنای بحث نمودن و گفت‌وگو کردن در باره موضوع و مسأله‌ی را بیان می‌کند. در این شگرد ادبی دو کس یا دو چیز راجع به موضوعی باهم گفت‌وگو و مجادله می‌کنند و هرکدام ویژه‌گی‌ها و مهارت‌های خویش را به رخ جانب مقابل کشانیده تلاش می‌نمایند که با برشمردن ارزش‌های ذاتی، حرفه‌ی و اجتماعی دیگری را مغلوب کند. به قول دهخدا (۱۳۷۷) چیره‌گی جستن در سخن را مناظره گویند (۲۱۵۵۷). یا به بیان دیگر مناظره عبارت از توجه متخصصان در اثبات نظر خود در باره‌ی حکمی از حکم‌ها و نسبتی از نسبت‌ها برای اظهار و روشن کردن حق و صواب (سجادی، ۱۳۴۱: ۵۸). در اصطلاح ادبیات، مناظره به بگو‌مگوهای اطلاق می‌شود که به صورت عموم میان اهل دانش و اصحاب سخن در مسایل و مباحث اعتقادی و غیر اعتقادی صورت می‌گیرد (فلاح، ۱۳۸۷: ۳). بنابراین، مناظره در واقع یکی از رسمی‌ترین شیوه‌های استدلال است. یعنی، مکالمه‌ی است میان دو طرف که هر یک با ارایه‌ی دلیل‌های خود (البته با لحن حماسی) کوشش می‌نمایند تا برتری خود را به دیگری به اثبات برسانند (ستوده نیا کرانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰). به باور زرین کوب (۱۳۷۱). مناظره «در حکم مکالمه است؛ مکالمه‌ی

در بیان تفاوت‌ها و مزیت‌های دو چیز» (۱۲۰). زبان این نوعی ادبی، زبان «حال» است که به گونه گسترده مربوط به دربارها بوده است. سخن‌وران، مناظره‌ها را برای خواندن در دربار شاهان و یا مجلس‌های وزیران تصنیف می‌کردند (ستوده نیا کرانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۸).

از گفته‌های بالا بر می‌آید که مناظره‌ها به صورت معمول در قالب گفت‌وگوها بیان شده است. در گفت‌وگوها به گونه‌ی طبیعی طرف‌های مناظره کوشش می‌کنند تا فضیلت و ظرفیت ذاتی و اجتماعی خویش را بر دیگری بی‌قبولانند. بنابراین، هدف اصلی در مناظره برتری بخشیدن یکی بر دیگری است. افزون بر این، مناظره‌ها گاهی در چارچوب واگویه‌ها سروده شده‌اند. طوری که، در منظومه‌های «لیلی و مجنون» و «خسرو و شیرین» نظامی این رشته مناظره‌ها به دیده می‌رسند. به همین‌سان، گاهی در مناظره‌ها طرف‌ها نمی‌خواهند یک‌دیگر را مغلوب نمایند. این گونه مناظره‌ها را به نام مناظره‌های درباری می‌توان انگاشت که جنبه‌ی سرگرمی و نشاط‌آفرینی دارد.

مناظره که برخی‌ها آن را گفت‌وگو تعبیر نموده‌اند، از لحاظ درونمایه گونه‌ی فرعی از شعر پارسی‌دری است. این هنرواژه جزو آرایه‌های بدیعی بوده است که هنرآفرین منظور و نیت خویش را در بیتی یا ابیاتی به طور پرسش و پاسخ (گفتم و گفتی) مطرح می‌نماید. طرف‌های مناظره گاه دو یا چند انسان است و گاه دو یا چند موجود زنده و یا هم دو شی‌آشتی ناپذیر. در ادبیات پارسی‌دری بیشترین مناظره‌های منظوم میان دو دل‌داده اتفاق افتاده است (شوشتری، ۱۳۸۹: ۶۰) مانند: مناظره‌ی خسرو و فرهاد در منظومه‌ی خسرو و شیرین نظامی که خسرو و فرهاد (هر دو عاشق و دل‌داده‌ی شیرین) باهم گفت‌وگو می‌کنند. در این مناظره، خسرو در مرحله‌ی نخست خیلی تلاش می‌کند با نشان دادن ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی خود، فرهاد را از عشق شیرین منصرف کند، اما با مقاومت سخت وی روبه‌رو می‌شود.

مناظره گویی، مانند هر ژانر و نوع دیگر ادبی-هنری؛ به ظرافت‌ها و ویژه‌گی‌های خاصی نیاز دارد. چون، از یک‌طرف بازنمای ظریف اندیشی‌های شاعر و سخنور و حاضر جوابی معشوق است و از طرف دیگر تضاد اندیشه‌گی هنر آفرین. طوری که، هنرمند موضوعی را به صورت پرسشی طرح و نیز پاسخی برای آن اندیشه‌ارایه می‌نماید که از زبان حریفی بیان شده است (شوشتری، ۱۳۸۹: ۶۰). از این‌رو، مناظره‌گویی نسبت به سایر ژانرهای دیگر به اندیشه‌خلاق و استعداد بلند نیاز دارد.

مناظره به سان خیلی از گونه‌های دیگر ادبی؛ در حوزه‌ی ادبیات پارسی‌دری بسیار بحث‌برانگیز بوده است. طوری که، برخی از پژوهنده‌گان، مناظره را هم‌چو مفاخره، صنعت حماسی می‌خوانند و برخی دیگر آن را گونه‌ی از ادبیات غنایی. علت این تفاوت دیدگاه‌ها آن است که مناظره هم در منابع حماسی، مانند: (شاهنامه‌ی فردوسی و دقیقی‌نامه) بازتاب گسترده داشته و هم در یادمان‌های غنایی چون: خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی و شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی، سروده‌های بیدل، در غزل‌های حافظ، سعدی و

مولانا و دیگران. این مسأله تعیین و تشخیص ماهیت و نوعیت ادبی مناظره را در ادبیات ما پیچیده ساخته است.

با این وصف، حماسی خواندن ژرف ساخت مناظره قابل تأمل است. بلی فردوسی در خردنامه‌ی آریانی خود مناظره‌های زیبایی را میان پهلوانان و مبارزان راه انداخته است. نظیر: مناظره رستم و اسفندیار و رستم و سهراب و غیره. اما، این مناظره‌ها تنها لحن حماسی دارند، ولی محتوای آن‌ها به صورت قطعی غنایی می‌باشد. لذا، این‌ها مناظره‌های غنایی اند؛ با روش و بیان حماسی. این در حالی است که ده‌ها نمونه از مناظره در ادب پارسی دری شکل گرفته اند که همه جزو اثرهای غنایی به شمار می‌روند، مانند: مناظره‌ی خسرو و فرهاد نظامی، مست و هوشیار پروین اعتصامی، غزل‌مناظره‌های حافظ، سعدی، مولوی، خواجو، فیض کاشانی و ملک الشعرا بهار و ده‌ها سراینده‌ی دیگر.

بنابراین، می‌توان گفت که بن مایه‌ی اصلی مناظره غنا است. نه حماسه. زیرا حماسه شعر بلند روایتی است و هنر آفرین در مقام راوی حق تصرف در پروردن و بالنده ساختن مسایل حماسی را ندارد. اما شعر غنایی برخلاف حماسه شعر غیر روایتی و بیان‌کننده‌ی عاطفه‌ها و احساس‌های درونی (من شخص شاعر و هنر آفرین) است. سخن‌آفرینان در این نوع سرایش‌ها موضوع‌ها و مطلب‌ها را به چشم ضمیر می‌بیند و به زبان عاطف به تصویر می‌کشد. از توضیح‌ها و دلیل‌های بالا، درک می‌کنیم که ماهیت مناظره احساس‌ها و انفعال‌های شخص هنر آفرین است. چنان‌که، نظامی گنجوی در منظومه‌ی داستانی شیرین و خسرو، سیمای «آفاق» خانم متوفای خویش را در سیمای شیرین به تصویر کشیده است که روشن‌گر این ادعا می‌باشد.

مناظره گویی، به مثابه‌ی یک گونه‌ی ادبی از پارینه‌های ادب پارسی دری بوده است که یادمان‌های منظوم و منشور فراوانی آن را در دل هزاران سال تاریخ این ادبیات می‌توان ملاحظه نمود. گواه روشن از پارینه‌گی مناظره‌ی ادب پارسی دری درخت آسوریک است. این اثر مربوط به ادب پارسی دری قبل از اسلام است. درخت آسوریک به زبان پرثوی / پارتی (مادر زبان پارسی دری) سروده شده بود و نام کتیبه‌ی است که در آن بزی با درخت خرما به مناظره پرداخته است. در این مناظره بز و خرما هرکدام به نوبه‌ی خود ارزش‌ها و سودمندی‌های‌شان را به رخ یکدیگر کشانیده است که سرانجام بز به درخت خرما غلبه حاصل می‌نماید (شوشتری، ۱۳۸۹: ۶۲). منظومه‌ی درخت آسوریک ۱۲۱ بیت دارد. این مناظره متشکل از یک مقدمه، اصل بحث و یک نتیجه‌گیری است. نکته‌ی قابل توجه در این منظومه این است که با نهایت ساده‌گی خود، پایه‌ی مناظرگویی در ادبیات پارسی دری را واقع شده است (ستوده نیا کرانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۲). هرچند پیش از درخت آسوریک؛ «گات‌های» زردشت به شیوه‌ی مناظره (در قالب پرسش و پاسخ) سروده شده بود که مبین وجود و دیرینه‌گی مناظره در ادب و فرهنگ پارسی دری می‌باشد (جنتی عطایی، ۱۳۳۴: ۸). اما، از

آن‌جا که «گات‌ها» با تغییرهای زیادی مواجه شده است، درخت آسوریک یک نمونه‌ی عینی از رواج و گسترش مناظره‌گویی در زبان پارسی‌دری قبل از اسلام به شمار می‌رود.

اما در شعر پارسی‌دری پس از اسلام، اسعدی طوسی را مبتکر و مروج این ژانر ادبی می‌دانند. او چهار مناظره‌ی زیبا در مقدمه‌ی قصیده‌های خویش با نام‌های: زمین و آسمان، گبر و مسلمان، کمان و نیزه و شب و روز سروده است که در عین داشتن پیام متعالی و شکوهمند، دروازه‌ی این آرایه‌ی ادبی را در حوزه‌ی ادب پارسی‌دری نو، باز نمود (داد، ۱۳۸۳: ۴۵).^۱ پس از او کسانی چون: امیر معزی، سنایی، عطار، نظامی گنجوی، سعدی، مولانای بلخی، خواجهی کرمانی، حافظ، وحشی بافقی، ادیب نیشاپوری، دهخدا، فراهانی، لاهوتی، ایرج میرزا، شهریار، نائل خانلری، اخوان ثالث، شاملو، پروین اعتصامی، ملک الشعرا بهار و صدها سخنور دیگر این روند را تا اکنون ادامه داده اند (ستوده نیا کرانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۲).

البته، مناظره‌گویی شکل و قالب خاص در زبان و ادب پارسی‌دری ندارد، تجربه‌ی ادبی ما نشان می‌دهد که این مفهوم ادبی افزون بر این که در اغلب قالب‌های موزون و کهن پارسی‌دری بازتاب داشته است؛ در قالب‌های نو این زبان، چون: نیمای، سپید و غیره از چشم سرود پردازان بدور نمانده است. از جمله می‌توان از شفعی کدکنی یاد نمود که مناظره‌های دل‌ربا و شورانگیزی را در قالب نیمای سروده است (داد، ۱۳۸۳: ۴۵).

به هر حال، هدف از مناظره‌گویی و مقابل نمودن دو کس یا دو عنصر آشتی‌ناپذیر؛ بیان و تشریح مسایل عمیق فلسفی، کلامی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عاشقانه بوده است. برای رسیدن به این هدف، سخن‌ور طرح داستان خود را با بهره‌برداری از قالب‌های منظوم و منثور انکشاف داده شخصیت‌های داستان را معرفی می‌کند (شیخ‌حسینی، ۱۳۹۷: ۸۱).

چگونگی بازتاب مناظره در منظومه‌ی خسرو و شیرین

منظومه‌ی داستانی خسرو و شیرین از شهکارهای سترگ ادبیات پارسی‌دری است که نظامی گنجوی آن را در (۶۵۰۰۰) بیت در بحر هزج مسدس مقصور، یک‌سال پس از مثنوی «مخزن الاسرار» سروده بود. داستان مذکور از نظر قدمت زمانی به عصر ساسانیان بر می‌گردد. اما، نظامی آن را در عصر اسلامی به ثبت رسانیده است (رستگار فسایی، ۱۳۸۶: ۲۴۹). این اثر ادبی در بردارنده‌ی دو داستان عاشقانه‌ی خسرو و شیرین و فرهاد و شیرین است که خسرو در این منظومه نماد از کامجوی و عاشق شیرین و فرهاد نماد از صداقت و دل‌باخته و شیفته‌ی شیرین است. خسرو، فرهاد و شیرین شخصیت‌های محوری این داستان هستند و تمام

^۱ - هرچند اسعدی طوسی را نخستین سراینده‌ی مناظره در ادبیات پارسی‌دری پسااسلام می‌دانند. اما، قبل از وی، عنصری مناظره‌ی «باز و زاغ» را سروده بود.

رخدادها در محور این افراد می‌چرخند. با توجه به اصول داستان نویسی، شخصیت‌های مطرح در این اثر هم نقش جمعی دارند و هم فردی؛ بدین ملحوظ آنان را می‌توان تیپ‌ها (شخصیت‌های اصلی) منظومه‌ی داستانی خسرو و شیرین نظامی انگاشت.

افزون بر شخصیت‌های اصلی، سیماهایی دیگری نیز در این داستان تبارز یافته که نقش فردی برجسته دارند و آنان عبارت‌اند از هرمز پدر خسرو پرویز، بارید و نکیسا از مطربان دربار که یکی از زبان شیرین و دیگری از زبان خسرو سخن می‌گوید، شاپور هنرمندی که بارقه امید را در دل عشاق روشن کرد و صورت‌گری ماهیری که با این حرفه واسطه‌ی آشنایی خسرو و شیرین شد. مهین بانو (شمیرا) از نسل شاهان و عمه‌ی شیرین، فرهاد چوبین، مریم دختر قیصر روم و خانم خسرو پرویز، شیرویه فرزند خسرو و قاتل پدر و نیز عاشق و دلداده‌ی شیرین، بزرگ امید شخص دانا و عاقل و مشاور نخبه‌ی و اندیشه‌ور خسرو می‌باشند که ایشان را می‌توان کرکترها (شخصیت‌های ضمنی) تلقی داشت (موحدی و مرزعه‌شاهی، [بی‌تا]: ۱۳۲).

علاوه از این سیماها، چهره‌ها و سیماهای دیگری چون: عساکر مهین بانو، افراد خسرو پرویز، کنیزان دربار، کار فرمایان، افراد فرهاد چوبین و... نیز به دیده می‌آیند که نه از جمله شخصیت‌های اصلی و نه هم از شخصیت‌های ضمنی داستان‌اند و ایشان در واقع همان پرسوناژهای داستان می‌باشند.

به هر صورت، ساختار مناظره در داستان خسرو و شیرین نظامی یک‌دست نیست، بلکه در چند صورت و ساختار شکل گرفته است، مانند: چندگویی یا گفت‌گویی مستقیم طرف‌های مناظره که هریک کوشش می‌کند تا حریف خویش را از صحنه بردارد، طوری که این گونه مناظره را در گفت‌گویی خسرو و فرهاد به خوبی ملاحظه می‌نماییم و دیگر در شکل واگویی یا منولوگ (تک‌گویی) و به شکل غیر مستقیم که طرف‌های مناظره دیده نمی‌شود، سروده شده است. طوری که، نظامی می‌سراید:

حسابی کرد باخود آن جوانمرد
که زد بر گرد من چون چرخ ناورد
شگفت آید مرا گر یار من نیست
دلم چون برد اگر دلدار من نیست

هم‌چنان، گفت‌گوهای خسرو پرویز باخودش، پس از آن‌که شاپور از دختری زیبا رخ و سیم اندامی به نام شیرین به او حکایت می‌کند. یا تک‌گویی‌های او به هنگام دیدن شیرین در کنار چشمه‌ی آب و نیز گفت‌گوهای شیرین با خودش هنگامی که خسرو پرویز را دید و نیایش‌های او به درگاه ایزدمنان (موحدی و مرزعه‌شاهی، [بی‌تا]: ۱۳۲) از جمله تک‌گویی‌های این داستان عاشقانه به حساب می‌آید.

افزون بر این دو ساختار، نوع دیگر از مناظره‌های بازنمایی شده در این منظومه، «نامه‌مناظره» یا مناظره‌های خاموش است. مقصود از نامه‌مناظره‌ها، همان گفت‌گوهای است که شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین از طریق نوشتن نامه‌ها به یکدیگر خواسته‌های خویش را بیان کرده‌اند، مانند: نامه‌های خسرو پرویز برای معشوقه‌ی دلبنده‌ش شیرین به مناسب‌های ویژه‌ی از جمله مرگ فرهاد و نیز نامه‌های شیرین به خسرو به

خصوص پس از مرگ مریم خانم وی. مناظره‌های که به این روش سروده شده اند، بازتابنده‌ی ژرف‌ترین احساس‌ها و عاطف‌های قهرمانان اصلی داستان می‌باشند.

اما، از نظر محتوا مناظره در این اثر به صورت نیایش‌ها، پیام‌ها و حدیث نفس و به صورت غیر مستقیم و با استفاده از زبان دیگر افراد و راویان، بیان شده است که گاهی کوتاه و منسجم و گاهی هم در بردارنده‌ی صدها بیت می‌باشد. بر علاوه، نظامی سراینده‌ی این داستان؛ در مناظره‌های خویش به آرایش ادبی و پرورش معانی و تصویر سازی‌های بدیعی توجه خاصی داشته که این امر در گفت‌گوهای طولانی خسرو و فرهاد، افسانه سرایی ده دختر، پرس و پال‌های بزرگ امید و خسرو پرویز به صورت روشن تبارز یافته است (شیخ-حسینی و مشهدی، ۱۳۹۷: ۸۱).

به هر حال، راجع به انگیزه‌های سرایش داستان خسرو و فرهاد دیدگاه‌های یک‌دستی وجود ندارد. برتلس و ریپکا باورمند هستند که قصد نظامی از به نظم کشیدن این داستان، بیان سعادت و ناکامی زن جوانی خودش یعنی آفاق بوده که در سن جوانی بدرود زنده گانی گفت. اما هرمان اته دلیل دیگری را برای ثبت داستان مزبور ارایه می‌کند و عقیده دارد که انگیزه‌ی سرایش خسرو و شیرین نتیجه‌ی تغییر جهت فکری نظامی از شعر تعلیمی به شعر غنایی بوده است (رستگار فسایی، ۱۳۸۶: ۲۴۹). ضمن این گفته‌های تحلیل متن داستان بیان‌گر مسأله‌ی دیگری است. تحلیل متن داستان نشان می‌دهد که مناظره‌ی مذکور تنها یک داستان سرگرم کننده و یا لذت‌آفرین نیست، بلکه یک داستان به شدت اجتماعی است. با این نگرش اگر ما مناظره‌ها را به صورت کلی به دو سته مناظره‌های دربار (مناظره‌های بنیاد آن‌ها لذت‌بخشی است) و مناظره‌های سیاسی - اجتماعی تقسیم کنیم. پس، مناظره‌ی خسرو و فرهاد در شمار مناظره‌های سیاسی - اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین، در می‌یابیم که انگیزه‌ی سرایش داستان نابرابری‌های اجتماعی - سیاسی زمان نظامی گنجوی است. چون، در این داستان دو شخصیت اصلی بازتاب یافته که یکی نماد نکوکاری و نیک‌مثنی و دیگری نماد زشتی و استبداد است. شخصیت خسرو در این داستان با آن‌که با لقب‌های خوب وصف شده، نقشی منفی دارد. برخلاف وی، شخصیت فرهاد با آن‌که از لحاظ اجتماعی در جایگاه فروتر از خسرو قرار گرفته، اما نقش مثبت بازی می‌کند؛ نقشی از نیکی و نکوکاری. افزون بر این، مناظره‌ی مذکور بازنمایانده‌ی جامعه‌ی دو قطبی زمان نظامی گنجوی است. طوری که، خسرو نماد و نمایانده‌ی حوزه‌ی سیاست. حوزه‌ی که به استبداد و ظلم متوسل شده است. اما فرهاد نمایانده جامعه‌ی فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی. نمادی که ارزش‌های راستی و نیکی را در آن جامعه پاس‌داری می‌کند.

در ادامه‌ی این بحث، خوب است که با ذکر مناظره‌ی خسرو و فرهاد، ساختار و محتوای آن را توصیف و تحلیل نماییم. نظامی در آغاز این مناظره یک مقدمه‌ی بلند راجع به فرهاد، محل زنده گانی، شغل و حرفه، آداب و اخلاق اجتماعی و فرهنگی و از همه مهم‌تر در رابطه به چگونگی و نوعیت عشق فرهاد به شیرین

دارد. در این مقدمه خسرو همواره می‌پرسد و فرهاد پاسخ می‌گوید (یک گفت‌وگو است). چنان‌که می‌خوانیم:

نخستین بار گفتش کز کجایی	بگفت از دار ملک آشنایی
بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند	بگفت انده خرنده و جان فروشند
بگفتا جان فروشی در ادب نیست	بگفت از عشق بازان این عجب نیست
بگفت از دل شدی عاشق بدین‌سان	بگفت از دل تو می‌گویی من از جان
بگفتا عشق شیرین بر تو چون است	بگفت از جان شیرینم فروزست
بگفتا هر شبش بینی چو مهتاب	بگفت آری چو خواب آید کجا خواب
بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک	بگفت آنگه که باشم خفته در خاک
بگفتا گر خرامی در سرایش	بگفت اندازم این سر زیر پایش
بگفتا گر کند چشم تو را ریش	بگفت این چشم دیگر دارمش پیش
بگفتا گر کسیش آرد فراچنگ	بگفت آهن خورد و خود بود سنگ
بگفتا گر نیابی سوی او راه	بگفت از دور شاید دید در ماه
بگفتا دوری از مه نیست درخورد	بگفت آشفته از مه دور بهتر
بگفتا گر بخواهد هر چه داری	بگفت این از خدا خواهم به زاری
بگفتا گر به سر یابیش خوشنود	بگفت از گردن این دام افکنم زود
بگفتا دوستیش از طبع بگذار	بگفت از دوستان نابد چنین کار
بگفت آسوده شو کاین کار خامست	بگفت آسوده‌گی بر من حرام است
بگفتا رو صبوری کن در این درد	بگفت از جان صبوری چون توان کرد
بگفت کز صبر کردن کس خجل نیست	بگفت این دل تواند کرد دل نیست
بگفت از عشق کارت سخت زار است	بگفت از عاشقی خوشتر چه کار است
بگفتا جان مده بس دل که با اوست	بگفتا دشمنند این هر دو بی دوست
بگفتا در غمش می‌ترسی از کس	بگفت از محنت هجران او بس
بگفتا هیچ هم خوابت نباید	بگفت ار من نباشم نیز شاید
بگفتا چونی از عشق جمالش	بگفت آن کس نداند جز خیالش
بگفت از دل جدا کن عشق شیرین	بگفتا چون زیم بی جان شیرین
بگفت او آن من شد زو مکن یاد	بگفت این کی کند بیچاره فرهاد
بگفت ار من کنم در وی نگاهی	بگفت آفاق را سوزم به آهی

(گنجوی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

نظامی تا این قسمت از زبان فرهاد به وصف حال و جمال شیرین می‌پردازد. در بیت‌های بالا، تمرکز اصلی نظامی در باره نوعیت عشق خسرو و فرهاد به شیرین و نیز معرفی شخصیت‌های اصلی مناظره است. در این مقدمه خسرو مسأله‌های زیادی را با فرهاد در میان می‌گذارد، ولی نمی‌تواند قناعت فرهاد را فراهم کند. بنابراین، برای این که فرهاد را از ایستادگی خویش منصرف نماید، موضوع را با مشاوران خویش مطرح می‌کند. سرانجام، تصمیم بر آن می‌شود که فرهاد باید از میان کوهی راه باز کند. کاری که به نظر همه مشاوران و خسرو ناممکن به نظر می‌رسید. اما، برای فرهاد و عشقی که وی نسبت به شیرین داشت، این کار آسان بود.

چو عاجز گشت خسرو در جوابش	نیامد بیش پرسیدن صوابش
به باران گفت کز خاکی و آبی	ندیدم کس بدین حاضر جوابی
به زر دیدم که با او بر نیام	چو زرش نیز بر سنگ آزمایم
گشاد آنگه زبان چون تیغ پولاد	فکند الماس را بر سنگ بنیاد
که ما را هست کوهی بر گذرگاه	که مشکل می‌توان کردن بدو راه
میان کوه راهی کند باید	چنانک آمد شد را بشاید
بدین تدبیر کس را دسترس نیست	که کار تست و کار هیچ کس نیست
به حق حرمت شیرین دلیند	کز این بهتر ندانم خورد سوگند
که با من سر بدین حاجت در آری	چو حاجتمندم این حاجت بر آری
جوابش داد مرد آهنین چنگ	که بردارم ز راه خسرو این سنگ
به شرط آنکه خدمت کرده باشم	چنین شرطی به جای آورده باشم
دل خسرو رضای من بجوید	به ترک شکر شیرین بگوید
چنان در خشم شد خسرو ز فرهاد	که حلقش خواست آزدن به پولاد
دگر ره گفت از این شرطم چه باکست	که سنگ است آنچه فرمودم نه خاکست
اگر خاکست چون شاید بریدن	و گر برد کجا شاید کشیدن
به گرمی گفت کار شرط کردم	و گر زین شرط بر گردم نه مردم
میان در بند و زور دست بگشای	برون شو دست برد خویش بنمای
چو بشنید این سخن فرهاد بی دل	نشان کوه جست از شاه عادل
به کوهی کرد خسرو رهنمونش	که خواند هر کس اکنون بی ستونش
به حکم آنکه سنگی بود خارا	به سختی روی آن سنگ آشکارا

روان شد کوهکن چون کوه آتش	ز دعوی گاه خسرو با دلی خوش
کمر در بست و زخم تیشه بگشاد	بر آن کوه کمر کش رفت چون باد
بر او تمثال‌های نغز بنگاشت	نخست آرم آن کرسی نگهداشت
چنان بر زد که مانی نقش ارژنگ	به تیشه صورت شیرین بر آن سنگ
گزارش کرد شکل شاه و شبیدیز	پس آنگه از سنان تیشه تیز
جوانمردی چه کرد از مهربانی	بر آن صورت شنیدی کز جوانی

(گنجوی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴).

تا این قسمت نظامی شرطی را که میان خسرو و فرهاد جهت بازکردن کوه بی‌ستون و بدست آوردن شیرین عقد شده بود توضیح داده است. بیت‌های بالا، در واقع بدنه‌ی اصلی مناظره را تشکیل می‌دهد. فرهاد به یاری عشق شیرین قادر می‌شود که راهی از کمر کوهی باز کند. کوهی که از خاک نه بلکه تشکیل یافته از سنگ‌های خارا است. سرانجام فرهاد موفق به انجام این کار می‌شود و شرط را می‌برد. اما، به دام مکر پیرزنی می‌افتد و به زنده گی خود خاتمه می‌دهد. نوعیت بازی خسرو و مکر پیرزنی که باعث جان‌دادن فرهاد می‌شود، در واقع خاتمه‌ی این داستان است که نظامی در بیت‌های ذیل بیان می‌دارد:

وزان دنبه که آمد پیه پرورد	چه کرد آن پیر زن با آن جوانمرد
اگر چه دنبه بر گرگان تله بست	به دنبه شیر مردی زان تله رست
چوپیه از دنبه زانسان دید بازی	تو بر دنبه چرا پیه می‌گذاری
مکن کین میش دندان پیر دارد	به خوردن دنبه‌ی دلگیر دارد
چو برنج طالعت نمد ذنب دار	ز پس رفتن چرا باید ذنب وار

(گنجوی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

هرچند در نگاه نخست، خواننده احساس می‌کند که این داستان یک داستان تخیلی و سرگرم کننده است که به گونه‌ی اغلب در مجلس شاهی خوانده و سروده می‌شده است. اما، نگاه ژرف به مناظره‌ی مذکور بیان می‌دارد که داستان خسرو و فرهاد در باره‌ی عشق شیرین یک داستان اخلاقی و آموزشی محض نیست که نظامی آن را برای مجلس شاهی سروده باشد. این داستان در واقع مبنای واقعی دارد. یعنی، در داستان مزبور، خسرو در واقع نماد از کام‌جویی و عشرت‌طلبی است. ولی، فرهاد نماد از یک انسان ساده‌انگار و پاک‌منش است که قربانی سیاست و روزگار نا برابر می‌شود. افزون بر این، شیرین نماد از زنده گی و زیبایی-های آن است که در برابر خود، نیرنگ‌های پیرزنی (روزگار مکار) را دارد. پیرزنی که فرهاد را می‌فریبد و به زنده گی خویش خاتمه می‌دهد. نظامی گنجوی چنین صحنه‌ی را با فاصله گرفتن از زبان عادی و در لای

هنر‌سازهای بی‌شمار ادبی بیان می‌نمایند. از این جهت مناظره مذکور در واقع نوعی از تمثیل است (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۵۴).

نتیجه‌گیری

مناظره یکی از رسمی‌ترین شیوه‌های استدلال در سخن است. در این شیوه‌ی سخن‌پردازی دو فرد، شی یا حیوان در باره‌ی مسأله یا موضوعی (اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) باهم مکالمه می‌نمایند. در این گونه مکالمه یک طرف به شکلی معمول تلاش می‌کند تا با برجسته‌نمایی صفت‌ها و قابلیت‌های خویش جانب مقابل را به حاشیه براند. مناظره‌هایی اجتماعی - سیاسی به گونه‌ی معمول از این شمار اند. در پهلوی این نوع مناظره‌ها، گونه‌ی دیگری نیز وجود دارد که به نام مناظره‌های درباری معروف اند. در مناظره‌های درباری یک طرف مناظره کننده، در صدد کنار زدن دیگری نیستند، بلکه تنها صفت‌ها و ظرفیت‌های خود را برمی‌شمارد. این گونه مناظره‌ها، جنبه‌ی اخلاقی و تربیتی دارند. مناظره‌های که از این - دسته اند، به هدف سرگرمی و شادی‌آفرینی سروده و خوانده می‌شوند. اما، مناظره‌ی خسرو و فرهاد نظامی گنجوی از شمار مناظره‌های سیاسی - اجتماعی است. چون در این مناظره، خسرو نماد از یک شخصیت سیاسی و فرهاد نماد از یک شخصیت اجتماعی - فرهنگی است.

نظامی گنجوی از نخستین سخن‌پردازانی بود که ساختار مناظره را در سروده‌های خود تغییر داد. یعنی، افزون بر این که، مناظره را به پیروی از سخن‌پردازان گذشته در قالب چندگویه سرود، مناظره‌های از قبیل: واگویه‌ها و نامه‌مناظره‌ها را نیز ایجاد کرد. بنابراین، مناظره‌های نظامی در منظومه‌ی خسرو و شیرین دست‌کم در سه صورت و ساختار که در بالا ذکر شده، سروده شده است. با این وصف، قالب مناظره‌ی خسرو و فرهاد در منظومی داستانی «خسرو و شیرین»، مثنوی است که در ساختار آن فرهاد و خسرو در باره‌ی عشق شیرین باهم مکالمه دارند. بن‌مایه‌ی اصلی مناظره‌ی مذکور در واقع یک مسأله‌ی مهم اجتماعی - سیاسی است. هر چند داستان این مناظره به پیش از اسلام بر می‌گردد، اما از آن‌جا که زبان به کار رفته در آن زبان حال است؛ لذا، اصل داستان به روزگار نظامی دلالت می‌کند. بدین معنا که این داستان در واقع بهانه‌ی برای به تصویر کشیدن نا‌هنجاری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی - سیاسی زمان نظامی است که وی این مسأله را با بهره‌برداری از زبان ادبی بیان کرده است.

منابع

- جنتی عطایی، ابوالقاسم. (۱۳۳۴). بنیاد نمایش در ایران. چاپ دوم، تهران: صفی علیشاه.
داد، یما. (۱۳۸۳) فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، انتشارات مروارید، ایران.
دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷) لغت نامه‌ی دهخدا، جلد ۱۴، تهران: انتشارات دانشگاه، تهران.
رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۶) خمسه سرایی در ادبیات فارسی، مجله‌ی پورتال جامع ایران.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱). شعر بی‌دروغ و شعر بی‌نقاب. تهران: علمی - فرهنگی.

- ستوده نیا کرانی، صدیقه، شریف‌پور، عنایت‌الله و پورامینایی، سعید (۱۴۰۱). «بررسی مناظره در آثار منثور خواجوی کرمانی»، فصلنامه‌ی بهارستان سخن، سال نهم، شماره ۵۷، صص: ۴۵ - ۶۸.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۴۱). فرهنگ علوم عقلی. تهران: ابن سینا.
- شوشتری، مرتضی. (۱۳۸۹). مناظره در ادب فارسی، مجله‌ی کیهان فرهنگی، شماره ۲۹۱.
- شیخ حسینی، زینب. مشهدی، محمد امیر. (۱۳۹۷). تحلیل عناصر داستان در منظومه‌های خسرو و شیرین نظامی و هاتفی، فصلنامه‌ی علوم ادبی، شماره ۱۳.
- فلاح، غلامعلی. (۱۳۸۷). جایگاه مناظره در شاهنامه‌ی فردوسی، نشریه‌ی علمی - پژوهشی کویا.
- گنجوی، نظامی. (۱۳۸۳). خسرو و شیرین، مقدمه و توضیحات، عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- موحدی، محمدرضا. مزرعه شاهی، الهه. بررسی عناصر داستانی در خمسه‌ی نظامی، دو فصلنامه‌ی تخصصی علوم ادبی، ایران.
- نظری، نجمه (۱۳۹۶). «هنر مناظره‌گویی در غزل سعدی». فصلنامه‌ی تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال دهم، شماره سوم، صص: ۲۸۱ - ۲۹۶.

